

<https://www.aftabekherad.ir>

A search for the flow of modern atheistic religion

Alireza Tarqi

Social and cultural researcher

Received: 2020/08/13

Accepted: 2020/09/19

Abstract

In principle, the continuous identification of opposing discursive-epistemological currents paves the way for transparency and greater enlightenment in the essential understanding of the original epistemological current; hence, the flow of atheists and anti-religious trends guides committed researchers in the field of sociology of religion and faith to research and study in detail the boundaries and boundaries of identity and the dimensions of social distinctions with religious origins within and outside societies. The studies conducted prove that in recent decades, atheistic movements and sects have gained a relative presence in Iranian society, with the support of organized international movements and groups and in coordination with their domestic like-minded elements. Therefore, although weak, a new conflictual and hostile movement with an atheistic nature has been formed in front of the religious community. This article, with due regard to the conceptual scope, epistemology, and genealogy, has tried to present and identify a system of different types of "non-believer religion" with due regard to brevity and based on principles based on revealed teachings, and to introduce local examples and lived experiences of it in contemporary history. In the meantime, a brief study has also been presented on the contexts, motivators, and most important epistemological and living causes and factors of the development or tendency to accept atheistic trends in independent societies.

Keywords: Religion of disbelief, faith and disbelief, typology of religious disbelief, anti-religion, social distinctions, boundaries and gaps of identity

جستاری پیرامون جریان شناسی دین ناباوری نوین

علیرضا ترقی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۹

چکیده

اصولاً شناسایی مستمر جریان‌های گفتمانی - معرفتی معارض، زمینه‌ساز شفافیّت و ایجاد تنویر بیشتر در شناخت ماهوی جریان اصیل معرفتی می‌باشد؛ از این رو، جریان‌شناسی دین‌ناباوران و مشرب‌های ضد‌دین، پژوهشگران متعهد در حوزه جامعه‌شناسی دین و ایمان را به تحقیق و مطالعه دقیق ثغور و مرزهای هویتی و ابعاد تمایزات اجتماعی با منشأ دینی در درون و برون جوامع رهنمون می‌سازد. بررسی‌های صورت گرفته گواه آن است که جریان‌ات و نحله‌های دین‌ناباور طی دهه‌های اخیر، با حمایت جریان‌ات و مجموعه‌های سازمان‌یافته بین‌المللی و در هماهنگی با عناصر هم‌اندیش داخلی آنان حضور نسبی در جامعه ایران یافته و از این رو اگرچه ضعیف، اما یک جریان نوین تعارضی و تخصصی با خصلت دین‌ناباورانه در فراروی جامعه دینی شکل گرفته است. این مقاله با توجه به گستره مفهومی، معرفت‌شناسی و تبارشناسی، سعی نموده با رعایت اختصار و بر پایه مبانی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی منظومه‌ای از گونه‌های مختلف «دین‌ناباوران» را مطرح و مورد شناسایی قرار داده و نمونه‌های بومی و تجارب زیسته آن را در تاریخ معاصر را معرفی نماید. در این میان، مطالعه‌ای اجمالی نیز در خصوص بسترها، انگیزاننده‌ها و اهمّ علل و عوامل معرفتی و زیسته تکوین یا تمایل به پذیرش مشرب‌های دین‌گریز در جوامع مستقل ارائه گردیده است.

کلیدواژه‌ها: دین ناباوری، ایمان و کفر، گونه‌شناسی دین‌ناباوری، ضد‌دین، تمایزات اجتماعی، مرزها و ثغور هویتی

^۱ - پژوهشگر اجتماعی و فرهنگی

مقدمه

رهیافت تمایزات اجتماعی و تلاش برای ترسیم خطوط تمایز و ثغورهای هویتی در حوزه مطالعات جامعه‌شناختی، سهم مهمی در حوزه معرفت اجزا و شناخت‌پذیر نمودن جامعه از مسیر تفکیک‌پذیری و گونه‌بندی نقش‌آفرینان و کنش‌گران اجتماعی دارد. این که چرا، چگونه و با گزینش چه ملاک، معیار و شاخصی می‌توان و می‌باید عناصر و افراد متشکله جامعه را به دستجات مختلف و گروه‌های متمایزی برای مطالعات هدفمند تقسیم کرد که مبین و مفسر واقعیات و حقایق موجود در فعل و انفعالات اجتماعی باشد از ضروریات دیرین و نیازمندی‌های کنونی در حوزه مطالعات نوین اجتماعی است. امروزه با تغییرات شتابناک عصری و توسعه اشکال فناوری‌های نوین و روند شبکه‌ای و دیجیتالی‌شدن بازیگران جوامع ملی و جهانی، جامعه‌شناسان و اندیشمندان بسیاری در تلاشند تا مکانیسم تمایزات قراردادی و مرزهای هویتی اعتباری، تصنعی و خودساخته که بعضاً در پی سالیان مدید نزاع و کشمکش و نبردهای خونین به عنوان دستاورد بشری حاصل شده را درنوردند و طرحی نو دراندازند. فی‌الواقع، کدر و خاکستری شدن مرزهای هویتی و درهم‌تنیدگی و مخدوش شدن هویت‌های به ظاهر تمایز یافته قبلی، این حقیقت را آشکار می‌سازد که بشر سرگشته و متحیر از مشاهده مظاهر تغییرات و تحولات سریع فناورانه، برای دستیابی و نیل به شناخت حقیقی و ماهوی از اجتماعات انسانی نیاز به انگاره‌سازی‌های جدید و یا به عبارت بهتر بازگشتی دوباره به سرفصل نسخه‌های اصیل، رهیافت‌های بنیادین و شاخصه‌های هم‌ذات با سرشت غیرمادی و فطرت اصیل معنوی و الهی خود دارد.

بر این اساس، تردیدی باقی نیست که در عصر شکسته شدن مرزهای اعتباری هویت - ساز ملهم از پدیده «جهانی شدن» و در برهه تبلور دهکده جهانی، تبّع و کنکاش پیرامون ملاک‌ها و معیارهای دارای اصالت برای تفکیک و تمایز قائل شدن میان خصایص افراد و انسان‌هایی که به شدت با ارتقای سطح آگاهی و دانش و سواد اطلاعاتی، همسان شده و شناخت‌پذیری‌شان بالا رفته و تحت‌الشعاع قرابت‌های معنایی و تشابهات ذهنی ناشی از کارکرد ویژه شبکه‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی در مقیاس جهانی - محلی می‌باشند امری هم سهل و هم ممتنع است؛ از این رو، برای ابرام و پافشاری بر پذیرش مختصات و ویژگی‌های یک انگاره تمام شمول و دارای جامعیت فراگیر، تمسک، اعتصام و ایمان به تعالیم و آموزه‌های فوق دانش بشری و ماوراء عالم طبیعت نیاز است تا عقل و قلب سلیم، فطرت

پاک و ظرف وجودی انسان‌ها با قدری تأمل و تدبیر؛ شایستگی و قابلیت ادراک و استفهام آن را بیابد.

باورمندان به اسلام ناب بر این عقیده‌اند که «جامعه‌شناسی مبتنی بر قرآن» برترین و والاترین مفسر، برای شناساندن و تبیین دستجات و گروه‌های واقعی در میان مردم اعصار مختلف می‌باشد.

آن چه در این مقاله مورد تأکید قرار داشته جستاری دین‌پژوهانه به دوگانه هویت‌ساز «ایمان و کفر» است تا به قدر بضاعت اندک نگارنده از منظر جامعه‌شناسی دین، هویت متمایز تقابلی در واجدان و اختیارکنندگان این صفات و خصایص «تعالی‌بخش» و «انحطاطی» مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته و ترجمان حقایقی از آن برای مخاطبین این سخن واقع شود.

۱- معرفت‌شناسی دوگانه «ایمان» و «کفر»

در مطالعات قرآن‌پژوهی، مشتقات «ایمان» و «کفر» در سور و آیات متعدد به صورتی جداگانه و یا توأمان در یک آیه، مکرراً قابل دریافت و مشاهده است؛ «ایمان و کفر» دو عنصر درونی، خصیصه عقیدتی و ویژگی هویت‌دهنده معرفتی و شخصیتی به انسان‌ها می‌باشند؛ «ایمان بر طبق فطرت است و کفر خارج از طریقه فطرت است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۹۷: ۴۶) و در تمامی مسیر زیست دنیوی و حیات اجتماعی آن‌ها نقشی الهام-بخش دارد، به طوری که «ایمان» الهام‌بخش هدایت، سعادت یافتگی و خوشبختی واقعی و «کفر و الحاد» مایه شقاوت، افول و انحطاط انسان از حقیقت ماهوی خویش می‌باشد؛ «و کسانی که کفر ورزیده و آیات ما را تکذیب کرده‌اند آنان اهل آتشند [و] در آن ماندگار خواهند بود و چه بد سرانجامی است» (سوره تغابن، آیه ۱۰)^۱، «ما جهنم را آماده کرده‌ایم تا جایگاه پذیرایی کافران باشد» (سوره کهف، ۱۰۲)^۲ و هم چنین سقوط انسان به درجه بدترین جنبدگان «بی‌تردید بدترین جنبدگان پیش خدا کسانی‌اند که کفر ورزیدند و ایمان نمی‌آورند» (سوره انفال، آیه ۵۵)^۳. لذا تلاطم گرایش و انتخاب جهت‌گیری صحیح یا ناصواب به هر یک از آن دو، موجبات ظهور و تبلور هویت ذاتی و جنم اشخاص و آحاد جامعه را رقم می‌زند؛ بر این اساس «کُفر و ایمان» یکی جنبه اثباتی داشته و دیگری ماهیت نفی و انکار و پوشاندن؛ از این رو، در تلازمی همیشگی با یکدیگر قرار دارند به

۱. وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

۲. إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا

۳. إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

طوری که «همواره اثبات، ملازم با نفی است؛ کلمه توحید از نفی آغاز شده و به اثبات می‌رسد. لَإِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اَوَّلُ نَفْيٍ اسْتِثْنَاءٌ بَعْدَ اثْبَاتٍ. سلب و ایجاب توأم با یکدیگر است، بلکه «کفر و ایمان» توأم با یکدیگر است؛ توجه به این ظرافت در آموزه‌های قرآنی نیز ضروری به نظر می‌رسد که گرچه در وهله نخست و بادی امر، دوگانه «کفر و ایمان» مبتنی بر مطالب پیش گفته نوعی «فُحیح و حُسْن» را به ذهن مخاطب متبادر می‌سازد لکن آن چه در قرآن حائز اهمیّت و مورد تأکید می‌باشد متعلقی است که به کفر و ایمان نسبت داده می‌شود؛ به عبارت دیگر، این که کفر و ایمان به چه کسی یا چه چیزی؟ دلالت کنند حائز اهمیّت می‌باشد. به طور نمونه، «ایمان به باطل» و «کفر بالله» و «الَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ» و هم چنین «کفر به طاغوت» و «ایمان به خداوند» نه تنها قابل جمع در یک فرد و جامعه می‌باشند بلکه خصایصی مکمل و همسو با یکدیگرند. مطابق با «پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست چنگ زده است...» (سوره بقره، آیه ۲۵۶)^۲ ایمان به خدا در مقدمه‌اش کفر به طاغوت‌ها و به مظاهر طغیان است. نمی‌شود ایمان به الله و ایمان به آن‌ها با هم باشد؛ از این جا باید بُرید و به آن جا پیوند کرد» (نک: مطهری، ۱۳۹۲: ۲۱۷). هم چنین با انطباق به شرایط روز باید توجه داشت که «تمسک به جبل الله» چگونه است؟ با ایمان بالله و کفر به طاغوت. امروز طاغوت اعظم در دنیا، رژیم ایالات متحده آمریکاست؛ زیرا صهیونیسم را او به وجود آورده است و آن را تأیید می‌کند. در بسیاری از بخش‌های امت اسلامی ایمان بالله است؛ اما کفر به طاغوت نیست. کفر به طاغوت لازم است. بدون کفر به طاغوت، تمسک به عروه و ثقیای الهی امکانپذیر نیست.» (از بیانات آیت‌الله مدظله‌العالی در مورخه ۱۳۸۵/۵/۳۰) و از طرفی، «ایمان به جبت و طاغوت» نیز «ایمان منفی» و مورد نهی و مذمت شدید قرآن کریم است: «آیا کسانی را که از کتاب [آسمانی] نصیبی یافته‌اند ندیده‌ای که به جبت و طاغوت ایمان دارند و درباره‌ی کسانی که کفر ورزیده‌اند می‌گویند اینان از کسانی که ایمان آورده‌اند راه یافته‌ترند، اینانند که خدا لعنتشان کرده و هر که را خدا لعنت کند هرگز برای او یاوری نخواهی یافت» (سوره نساء، آیه ۵۲-۵۱)^۳؛ بنابراین تکوین معنایی این دوگانه مفهومی، در ادبیات وحی و آموزه‌های وحیانی و آسمانی تأکیدی جدی بر نحوه‌ی سوگیری ایمان و کفر از جانب انسان متفرد و اجتماعات انسانی

۱. سوره عنکبوت، آیه ۵۲

۲. فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا...

۳. أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا * أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن نَّجِدَ لَهُ نَصِيرًا

در جوامع بشری دارد، یعنی پاسخ‌گویی به پرسش‌های «ایمان به چه کسی یا چه چیزی؟ و کفر به چه کسی و چه چیزی؟» از الزامات شناختی و معرفتی برای پی بردن به کُنه و چیستی و معنابخشی به شاکله جوامع و اجتماعات بشری است. لذا از منظر دینی، مناسبات «ایمان و کفر» در میان انسان‌ها، از مبنایی‌ترین و اصیل‌ترین نهادهای تفسیر ماهیت‌گُش در بین جوامع و هم‌چنین روابط و تعاملات درون جوامع انسانی می‌باشد؛ به طوری که:

الف) جامعه با اغلیت ایمان به خدا (ایمان‌محور) با سردمداران جوامعی با اغلیت عناد، انکار، الحاد و کفر به خدا (کفر محض) به طور آشکار یا پنهان در دشمنی و ستیزشی دائمی در قالب «جنگ حق و باطل» قرار دارند. بر این اساس قرآن کریم می‌فرماید: ائمه کفر و امامان کفر را بکشید... (سوره براءت، آیه ۱۲)^۱ امامان کفر پیشوایان و زمامداران و سردمداران کفرند... امام کفر یعنی ایدئولوگ، تئوریسین، زمامدار و هادی کفر. آیه قرآن نمی‌خواهد بگوید با هر کافری که نقض عهد کرد، بجنگید، بلکه مطلب اجتماعی بسیار مهم و دقیقی را بیان می‌کند؛ حکمی در مقیاس جهانی. در واقع امام کفر است که نقض عهد می‌کند نه آحاد مردم. آیه می‌خواهد بگوید اگر نقض عهد کردند با ائمه آن‌ها بجنگید؛ چون آن‌ها غده‌های چرکین اجتماعند که مانع مسلمان شدن مردم می‌شوند. یکی از مستشرقین مسیحی می‌گوید: جنگ اسلام در واقع، جنگ با حکومت‌ها و زمامداران و رؤسای زمان بود، نه جنگ با ملت‌ها» (بخشی از تفسیر سوره براءت توسط آیت‌ا... خامنه‌ای مدظله‌العالی، ۱۳۵۱)؛ قرآن کریم هم چنین می‌فرماید: «پس از کافران اطاعت مکن و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ بپرداز» (سوره فرقان، آیه ۵۲)^۲.

ب) سردمداران جوامع با اغلیت کفر (کفرمحور) با سایر جوامع کفرمحور در تنازعی داروینستی برای بقا و مناسباتی ماکیاولیستی در روابط فی‌مابین بوده و البته در این رهگذر در مسیر کسب و حفظ تفوق‌های مادی نسبت به سایر ملل مستضعف، به ائتلاف و انعقاد قراردادهایی برای حفظ وضع موجود خود مبادرت می‌ورزند.

ج) جوامع انسانی با اغلیت ایمان (جامعه ایمانی) نیز در عین حرکت به سمت تعالی و پیشرفت و وجود پیوندها و عُلقه‌های الهی و معنوی زایدالوصف میان آحاد مؤمنین بالله در جامعه، لکن مبتلا به آفاتی از قبیل شکل‌گیری و نفوذ جریان نفاق، ارتداد، کج‌فهمی، ارتجاع و پسرفت، اشرافی‌گری، افزون‌طلبی، اعتماد به بیگانگان (کفار)، بی‌انضباطی و

۱. فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ

۲. فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِجِهَادٍ كَبِيرًا

تنبلی و... می‌باشد. این بدان سبب است که «آنان (منافقان) ایمان آورده سپس به انکار پرداخته‌اند و در نتیجه بر دل‌هایشان مهر زده شده و [دیگر] نمی‌فهمند» (سوره منافقون، آیه ۳).

۲- مفهوم‌شناسی کُفر

«بدان که ... انسان به مجرد آن که علم پیدا کند به خدا، ملائکه، پیغمبران و یوم‌القیامه، او را نتوان مؤمن گفت؛ چنانچه ابلیس تمام این امور را علماً و ادراکاً می‌دانست و حق تعالی او را «کافر» خواند... بدان که ... جحود عبارت از انکار حق و رد آن و خاضع نشدن برای آن است... انکار از جنود جهل و مربوط به فطرت محجوبه است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۹۷: ۳۹ و ۵۳). «کُفر یعنی چه؟ کُفر به معنای پوشاندن است و کافر یعنی پوشاننده حقیقت. به زارع هم کافر می‌گویند چون زارع و کشاورز دانه را زیر خاک پنهان می‌کند. قرآن هم می‌فرماید: كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ^۲ پس کافر یعنی پوشاننده (کفران کننده) نعمت، انکار کننده نعمت، و کافر شدن به حق، یعنی پوشاندن آن حقیقت و انکار کردن او است که این پوشاندن و انکار کردن دو معنای نزدیک به هم هستند... به تدریج پوشاندن با انکار کردن تقریباً قرین و نزدیک می‌شوند. کافر نعمت یعنی کسی که نعمت را می‌پوشاند و آن را انکار می‌کند. این معنای کفران نعمت است و کفران حق، کافر به حق شدن است یعنی حق را پوشاندن و آن را انکار کردن؛ لذا تکیه کنید روی مسأله انکار. نوع پوشاندنی که با انکار تجلّی می‌کند این کافر است. پس کفر ورزیدن یعنی پافشاری کردن بر آن انکاری است که در نتیجه آن عوامل بازدارنده به وجود می‌آید و آن عبارتند از: تنبّه بازدارنده از ذکر که آن عوامل در آیاتی از قرآن تشبیه شدند به غل‌ها و زنجیرهایی که بر گردن کسی افتادند و اجازه نمی‌دهند که او راست بایستد؛ اجازه نمی‌دهند او با سرعت به پیش برود، اجازه نمی‌دهند او پرواز کند؛ که در آیات مختلف قرآن آمده: إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ^۳ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ^۴ و امثال ذالک ... غلّ قدرت، غلّ پادشاهی، غلّ ثروت، غلّ بهره‌مندی و... این کسانی که کفر می‌ورزند یعنی به خاطر آن انگیزه‌های ضد ذکر و تنبّه از حق روی برمی‌تابند کار این‌ها بسیار بسیار مشکل است...» (بخشی از بیانات آیت‌ا... خامنه‌ای مدظله-
العالی، در جلسه دهم تفسیر سوره بقره، ۱۳۷۰/۸/۸)

۱. ذَلِكَ بَأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فُحْمٌ لَا يَقْتَهُونَ

۲. سوره حدید، آیه ۲۰

۳. سوره غافر، آیه ۷۱

۴. سوره رعد، آیه ۵

در لغت‌نامه دهخدا کُفر به معنای ناسپاسی و انکار کردن و پوشاندن نعمت خداوند، ناگرویدن به خدای تعالی، ضد ایمان آوردن، خلاف ایمان نزد هر طایفه‌ای، الحاد و بی‌دینی و بی‌اعتقادی و بی‌ایمانی، خلاف دین، مقابل ایمان، بی‌اعتقادی به اسلام و از دینی به جز اسلام پیروی کردن آمده است.

در واقع، کُفر انکار متعلقات ایمان یعنی «نفی و انکار ایمان به خداوند و یگانگی او، ایمان به غیب و ملائکه، ایمان به معاد، رستخیز و چگونگی آن، ایمان به رسالت انبیاء (ص) و کتب آسمانی، ایمان به امامت و امامان (ع)» می‌باشد. (نک: پاسخ‌های آیات سبحانی و مصباح یزدی به متعلقات ایمان در تارنمای پرسمان دانشگاهیان، ۱۳۹۳).

در دائرةالمعارف مجازی ویکی‌پدیا، «بی‌دینی»، «دین‌ناباوری» یا «دین‌ناخواهی»^۱ به معنای دین نداشتن، بی‌علاقگی به دین، عدم پذیرش دین، یا ضدیت با دین است. از این منظر، بی‌دینی لزوماً به معنای بی‌خدایی نیست. برخی افراد وجود دارند که در هیچ‌گونه دینی نیستند اما به موجودی برتر باور دارند. در این تعریف، بی‌دینی زمانی که به عنوان نپذیرفتن باورهای دینی تعریف می‌شود، می‌تواند شامل بی‌خدایی آشکار، مخالفت با دین یا انسان‌گرایی سکولار باشد. زمانی که به عنوان ضدیت با دین مطرح می‌شود می‌تواند شامل قداست‌ستیزی، ضدخدایی و ضددین تعریف شود. زمانی که به عنوان بی‌علاقگی به دین مطرح می‌شود می‌تواند شامل «خدانامهم‌دانی» شود. زمانی که عدم باور به اعتقاد دینی عنوان می‌شود، می‌تواند شامل دادارباوری، بی‌خدایی ضمنی، باور به عالم غیر مادی و لسی نه مذهبی، ندانم‌گرایی، خداناشناس‌دانی، ناخداباوری، همه‌خدایی، خدافراگیردانی، شک‌گرایی دینی و اندیشه آزاد می‌شود. بی‌دینی ممکن است گاهی شامل صورت‌هایی از خدایباوری نیز شود، و این بستگی به مفهوم مذهبی‌ای دارد که بی‌دینی در مقابلش تعریف شده است. «دین‌شکنی و آیین‌شکنی»^۲ نیز به معنای زیرپا گذاشتن معتقدات عامه و باطل شمردن و خلاف عقل دانستن آن‌ها و مبارزه با آن‌هاست (آقابخشی، افشاری راد، ۱۳۸۳: ۳۰۴). هم چنین از مجموع آیات برداشت می‌شود که تفاوت چندانی میان کفر و الحاد وجود ندارد. کسانی که در [فهم و ارائه] آیات ما کژ می‌روند بر ما پوشیده نیستند آیا کسی که در آتش افکنده می‌شود بهتر است یا کسی که روز قیامت آسوده‌خاطر می‌آید هر چه می‌خواهید بکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست* کسانی که به این قرآن چون بدیشان رسید کفر ورزیدند [به کیفر خود می‌رسند] و به راستی که آن کتابی ارجمند

1. Irreligion
2. Iconoclasm

است» (سوره فصلت، آیه ۴۱-۴۰)^۱. آیات فوق در مقام تهدید ملحدان و کافرانی است که آیات خدا را با نیرنگ‌های مختلف و با تراشیدن نظریه‌های فلسفی و اندیشه‌های باطل و دروغ‌بافی‌های خیالی رد می‌کردند.

۳- تبارشناسی جریان دین ناباوران

به جرأت می‌توان اذعان نمود که تمامی پیامبران الهی از آدم تا خاتم (ص) در اجرای رسالت و مأموریت خود با جریان کفر و الحاد مواجه بوده‌اند و همواره این جریان و سبیل طاغوتی هم پای جریان ایمان و سبیل الهی وجود داشته است. امام خمینی (ره) در روز ۲۵ فروردین ۱۳۶۱ در پیامی خطاب به ملت فلسطین و امت اسلام ضمن اشاره به اهمیت قدس شریف و لزوم مبارزه با اشغالگران قدس به موضوع «کفر جهانی» اشاره نموده و می‌فرماید:

«...مسلمانان انقلابی و شجاع فلسطین با همتی عالی و با آوای الهی از معراجگاه رسول ختمی (ص) خروج برآورده و مسلمانان را به قیام و وحدت دعوت نموده‌اند و در مقابل «کفر جهانی» نهضت نموده‌اند...» (صحیفه‌نور، ج ۱۶: ۱۹۱-۱۹۰). بر اساس آیات الهی قرآن: «کسانی که ایمان آورده‌اند در راه خدا کارزار می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند در راه طاغوت می‌جنگند» (سوره نساء، آیه ۷۶)^۲. در زمان ائمه اطهار (ع) نیز روایات و احادیثی دال بر مناظرات آنان با کفار وجود دارد از جمله: روایتی در کتاب شریف اصول کافی درباره چگونگی مناظره حضرت امام جعفر صادق (ع)، با فردی که منکر خدا بود و نهایتاً با هدایت آن حضرت به اسلام و مذهب تشیع مشرف گردید. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی نیز جریانات ضدین به اشکال گوناگون خودنمایی نموده و در برابر نظام اسلامی صف‌آرایی و خودنمایی داشته‌اند؛ از مدعیان خدا بودگی، تا مدعیان موعود آخرالزمانی، تا آرش بی‌خداها و ارتداد شاهین نجفی‌ها در قالب خوانندگی موسیقی‌های زیرزمینی هجو، موهن و کفرآمیز و...؛ در این خصوص در مطلب رسانه‌ای منتشره به نقل از حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه (محقق و پژوهشگر حوزه دین و عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) در مورخه ۸۹/۱۲/۱۵ ضمن اشاره به شکل-گیری و فعالیت ده‌ها جریان کلان ضددینی در کشور آمده است: «هر کدام از این جریانات ممکن است دارای گرایش‌های مختلفی باشند، از جریان ابتدال فرهنگی گرفته

۱. إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرًا مِّن مَّن يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ *
 إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ
 ۲. الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ

که چند زیرشاخه از جمله سینماگرایی و موسیقی‌گرایی را شامل می‌شود تا فمینیسم، سکولار، فراماسونری و چند گروه دیگر که همه علیه دین و فرهنگ شکل گرفته‌اند. هم چنین جریان‌های روشنفکری الحادی و سکولار را می‌توان از جمله جریان‌های دین ناباور برشمرد که گرایش‌های مختلف در آن علیه اسلام و شریعت فعالیت می‌کنند. افرادی که در این جریان فعالیت می‌کنند، گروه‌هایی را تشکیل می‌دهند که در تلاش هستند هر یک بخشی از دین اسلام را زیرسؤال ببرند به طوری که تقریباً هیچ بخشی از دین نمانده که در آن تشکیک و شبهه وارد نکنند... در چند سال اخیر، ۴۵۰۰ کتاب با محتوای عرفان‌های کاذب در کشور منتشر شده و هفته‌ای نیست که خبری از ادعای خدایی و مهدویت گرفته تا ادعای رسالت از این افراد نشنویم... افرادی که این ادعاها را دارند، آدم‌های ساده‌ای نیستند بلکه به طور گسترده و مدیریت شده کار می‌کنند. واقعاً عنایت خدا و امام زمان (عج) است که مردم در این شرایط دین خود را حفظ کرده‌اند.

جنبش الحادی قرن بیست و یکم^۱، وصف جدیدی است که گفتمان جاری جامعه آن را بر ملحدان این جریان و افراد آن نهاده است؛ این ملحدان معمولاً خود را «لامذهب»، «بی‌ایمان»، «کافر»، «ملحد»، «بی‌خدا»، «ضد‌خدا» و «متنقد دین» و نظایر این‌ها می‌خوانند (Zenk, 2013: 256). این اصطلاح در بازه زمانی تابستان و پاییز ۲۰۰۶ و به دنبال گرد هم آمدن سه نفر از این جریان یعنی داکینز، دنت و هریس از سوی نویسندگان متعددی در نشریات گوناگون به کار رفت و رایج شد. این دین‌ناباوران، که می‌توان آن‌ها را «دین‌ستیزان جدید» نامید، بیشتر مصیبت‌ها و ناخوشی‌های موجود در جهان را به دین نسبت می‌دهند. به طور کلی، جریان الحاد جدید^۲ یک جریان افراطی دین‌ستیز است که در نخستین دهه قرن بیست و یکم به دنبال حملات انتحاری و تروریستی برخی گروه‌های افراطی دینی و در واقع در واکنش به آن‌ها ظهور کرد؛ می‌توان این جریان را متناظر جریان بنیادگرایی افراطی دینی دانست. این جریان با نام افرادی چون ریچارد داکینز^۳، دنیل دنت^۴، سم هریس^۵ و کریستوفر هیچنز^۶ عجین است، که هر یک به ترتیب با انتشار کتاب‌های توهم خدا^۷، شکستن طلسم^۸، پایان ایمان: دین، ترور و آینده عقل^۹، و خدا

۱. 21st-century atheist movement

۲. New Atheism

۳. Richard Dawkins

۴. Daniel Dennett

۵. Sam Harris

۶. Christopher Hitchens

۷. The God Delusion

۸. Breaking the Spell: Religion as a Natural Phenomenon

۹. The End of the Faith: Religion, Terror, & the Future of Reason

بزرگ نیست: چگونه دین همه چیز را مسموم می‌کند^۱ به نمادی از الحاد جدید تبدیل شدند. این جریان افراطی تکیه‌گاه‌هایی دارد که البته هیچ‌گاه نمی‌کوشد به تبیین و اثبات آن‌ها پردازد. شاید این عدم تمایل به اثبات مبانی و مفروضات خود ناشی از آن است که مخاطبان آن عموم مردم هستند و نه صرفاً اهل الهیات و فلسفه. اما در واقع باید گفت که دانش و آگاهی آن‌ها از تاریخ ادیان به طور کلی و الهیات و به ویژه مبانی الهیاتی ادیان ابراهیمی بسیار اندک است. به هر حال، ملحدان جدید بی‌آنکه اقدامی در اثبات مبانی خود کنند، با تکیه بر جهان‌بینی طبیعت‌گرایانه، آن‌هم از نوع افراطی و حذفی آن و تأکید بر نظریه‌هایی چون فرگشت و انتخاب طبیعی، همه چیز، از جمله دین و باورهای دینی، را تبیین علمی و طبیعی می‌کنند. منتقدان ضمن تأکید بر عدم آگاهی آن‌ها از ادیان و مبانی فلسفی آن‌ها، می‌کوشند در برابر تبیین‌های انحصاری و تقابلی با توجه به وجود استعداد‌های انسانی مانند قوای شناختی به نقد یکی از مهم‌ترین تکیه‌گاه‌های الحاد جدید یعنی طبیعت‌گرایی و به دنبال آن نقد باور آن‌ها به تعارض علم و دین پردازند (شهبازی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۸۲-۱۸۱).

۴- گونه‌شناسی جریان‌ات دین ناباوران و بعضاً ضد‌دین

بر پایه تبلیغات صورت گرفته در فضای مجازی پیرامون «کنفرانس بین‌المللی فلسفه الحاد» که قرار است در فوریه ۲۰۲۱ در رم ایتالیا^۲ برگزار گردد؛ مشخص می‌شود که موضوع الحاد و کفر در نگاه صاحب‌نظران خارجی نیز از تقسیمات و سنخ‌شناسی موسّعی برخوردار می‌باشد؛ به طوری که «الحاد جهانی»، «الحاد محلی»، «الحاد قیاسی»، «الحاد القیاسی»، چشم‌انداز اثبات استقرایی، «طبیعت‌گرایی آتیستی»، شناخت‌گرایی و چشم‌انداز آینده برای الحاد از عناوین و موضوعات مورد بحث در همایش فوق بیان گردیده است؛ بدیهی است که «شکل‌گیری الحاد و کفر در ابعاد و اشکال متنوع» ناظر بر رویکردها و رهیافت‌هایی با خاستگاه و شالوده انحرافی و محرّف از «دین شاخص و معیار» در عملکرد منفرد یا جمعی و اجتماعی افراد می‌باشد که با خصلت ابزارشدگی برای پیشبرد خواسته‌ها و امیال و التذاذات نفسانی اشخاص، به طور بشرساخته و فاقد هرگونه اصالت و مشروعیت ناشی از اتصال به منبع و مبدأ متعالی وحی ظهور و بروز می‌یابد؛ و عمدتاً برای خودنمایی، ابراز وجود و ارضای غرایز و امیال ایدئولوگ‌ها و تئوریسین‌های مادی-گرای آن به کالبد جامعه عرضه می‌شوند (مانند داستان گوساله «سامری» در بنی‌اسرائیل که در سوره بقره آیات ۵۴-۵۱ بدان اشاره شده) با این وجود، بسیاری از این نحله‌ها، مکاتب

۱. God is not Great: How Religion Poisons Everything

۲. ICPA 2021 : International Conference on Philosophy of Atheism, Rome, Italy

و دین‌های خودساخته و یا پیروان ملحد آن با گذشت زمان، به دلیل بی‌پشتوانگی، بی-اعتباری و پوچ بودن مبانی، به سمت انزوا، رنگ‌باختگی و اضمحلال درونی رفته و به بوته فراموشی سپرده می‌شوند.

زیلاً در راستای گونه‌شناسی اهمّ جریان‌ات دین‌ناباوری در خارج و داخل کشور به شناخت منظومه و برخی دسته‌بندی‌ها و معرفی عناصر مهم و تأثیرگذار در هر گفتمان پرداخته شده است:

۴-۱- **دین‌ناباوری دوستانه و صمیمانه**^۱: ویلیام لئونارد رو^۲ (۱۹۳۱-۲۰۱۵) در مقاله خود خداناباوری صمیمانه را معرفی کرد؛ در رهیافت خشونت‌پرهیز وی، «خداناباور صمیمی» شخصی است که می‌پذیرد برخی خداباوران در اعتقاد به خدا موجه‌اند؛ از نظر وی، حتی اگر این طور باشد که خدا وجود نداشته باشد یک عاقبت صمیمیت فلسفی «رو»، پیروی از اصل همدلی^۳ است. «اصل همدلی» که در سال ۱۹۵۸ توسط نیل ال. ویلسون نامگذاری شده بر آن است که «تفسیر آرا و افکار دیگران به روشی که به کم‌ترین تناقض ممکن بینجامد و بیشترین درک را از آن به دست دهد انجام پذیرد».

۴-۲- **دین‌ناباوری ستیزه‌جویانه و خشونت‌گرا**^۴: این نوع دین‌ناباوری پا را از تئوری-پردازی صرف فراتر نهاده و بر گفتگو و عمل تأکید دارد. از منظر این دیدگاه باید با شدت و خشونت تمام، ابتدا در مقام معرفت و سپس در مقام عمل، هرگونه سمبل و نماد خداباوری را از جامعه حذف نمود.

۴-۳- **دین‌ناباوری عملی**^۵: ناظر بر این دیدگاه دین‌ناباوری است که عملاً افراد بایستی با نادیده‌انگاری و عدم باور به یک خدا زندگی نمایند؛ از منظر برخی، این الگوی الحاد را نباید با خداناباوری پراگماتیستی^۶ خلط کرد. طبق دیدگاه پراگماتیستی ملاک صدق یک باور لزوماً مطابقت آن با واقع نیست بلکه باید دید که آیا آن باور آثار عملی دارد یا نه؟ خداناباوران پراگماتیستی بر این ادعایند که از آن جا که وجود خدا آثار عملی چندانی در زندگی آنان ندارد بنابراین اعتقاد به وجود او ضرورتی ندارد (اکبری، نشست علمی در سال ۱۳۹۸)؛ البته ملحدین عملی در نگرش خود تشابهات و سنخیت‌هایی با گروه «خدانامهم‌دانان و آپاتیست‌ها یا بی‌خدایی عمل‌گرا»^۷ به معنای بی‌اهمیت بودن و هم

۱. Friendly Atheism

۲. William Leonard Rowe

۳. Principle Of Charity

۴. Militant Atheism or Aggressive atheism

۵. Practical Atheism

۶. Pragmatic Atheism

۷. Apatheism

چنین بی تفاوت بودن نسبت به وجود یا عدم وجود خدا دارند. آپاتیست‌ها بر این ادعا هستند که علاقه‌ای به پرداختن به موضوع «پذیرش یا رد وجود یا عدم وجود خداوند» ندارند. دسته دیگر که حقیقت نهایی را نامعلوم می‌دانند، به نام آگنوستیسم^۱ها یا ندانم-گرایان یا لادری‌گرایان بر این عقیده هستند که دانستن درستی یا نادرستی برخی ادعاها و به ویژه ادعاهای مربوط به امور فراطبیعی مانند الهیات و زندگی پس از مرگ و وجود خداوند و موجودات روحانی از اساس ناممکن است. در واقع لادری‌گری در عین باور به عینیت و واقعیات جهان، شناخت قسمتی از آن با کل آن را ناممکن می‌دانند. بسیاری از اندیشمندان مانند هیوم، کانت، توماس هنری هاکسلی، رابرت انگرزول، برتراند راسل و... از باورمندان به ندانم‌گرایی بوده‌اند. خدا ناباوری ندانم‌گرایانه و خدا باوری ندانم‌گرایانه دو نوع از مظاهر لادری‌گری است.

۴-۴- دین ناباوری فلسفی: این نوع دین ناباوری ادله انکار خدا را از منظری فلسفی مورد بررسی قرار می‌دهد که مهم‌ترین شخص در این جریان «آنتونی فلو»^۲ انگلیسی (۲۰۱۰-۱۹۲۳م.) است که مفهوم خدا را ناسازگار دانسته و «اصل الحاد» و الحاد سلبی^۳ را مطرح کرده است که در این اصل فرض را بر نبود خدا قرار می‌دهد که همین نکته تفاوت وی با بقیه خدا ناباوران است. الحاد سلبی به این معناست که فرد نه به نحو ایجابی، نه به نحو سلبی و نه حتی به نحو شکاکانه هیچ حکمی درباره خدا ندارد زیرا اصلاً نمی‌داند که درباره چه چیزی بحث می‌شود. (اکبری، نشست علمی در سال ۱۳۹۸). فلوی انگلیسی در سه دهه نماد خدا ناباوری فیلسوفانه‌ای بود که در نقد براهین اثبات وجود خدا و ناتمام نشان دادن آن براهین، سعی بلیغی نمود. او که صاحب نظر در مکتب «فلسفه تحلیلی» بود در سال ۱۹۵۰ در مقاله «الهیات و ابطال‌پذیری» مبحث تحقیق‌پذیری عبارات دینی و به ویژه «خدا وجود دارد» را از نو باز کرد. از آن زمان به مدت بیش از نیم قرن در جایگاه استادی فلسفه در دانشگاه‌های آکسفورد، آبردین، کیل و ریدینگ به عنوان سخنران در بسیاری از دانشگاه‌های آمریکایی و کانادایی، در مباحث علمی، کتاب‌ها، سخنرانی‌ها و مقالات خود از «بی‌خدایی» دفاع می‌کرد و به انتقاد از اعتقاد به زندگی پس از مرگ می‌پرداخت؛ در عین حال، آنتونی فلو در سال‌های پایانی عمر با نوشتن یک کتاب و چند مقاله از موضع الحاد فلسفی پنجاه ساله خود دست کشید و اعلام کرد مطالعات عمیق‌تر او در حوزه زیست مولکولی و ژنتیک، او را متقاعد ساخته که بدون وجود و اراده

۱. Agnosticism

۲. Antony Garrard Newton Flew

۳. Negative Atheism

خالق، جهان و حیات یکپارچه شکل نمی‌گیرد. او در خلال مصاحبه‌ای که با نشریه «انجمن فلسفی - انجیلی» در شماره زمستان سال ۲۰۰۵ انجام داد اعلام داشت که دست از الحاد شسته و به وجود خالق برای جهان اعتقاد یافته است (نک: فتح طاهری و شرفی، ۱۳۹۳). هر چند آنتونی فلو در نهایت وجود خدا را پذیرفت ولی در مورد این که آیا به دین خاصی از ادیان ابراهیمی معتقد شد، تردید وجود دارد.

۴-۵- **دین ناباوری علمی**^۱: بنیان این الگو از دین ناباوری به ادله به ظاهر علمی آن است؛ الحاد مارکسیست-لنینیستی^۲ که سالیان مدیدی دکترین رژیم‌های کمونیستی در بلوک شرق محسوب می‌شد یکی از مهم‌ترین مظاهر الحاد علمی می‌باشد؛ این مدل کفر و الحاد علمی که مروج بی‌دینی و روحانی‌ستیزی^۳ بود از رهیافتی مادی‌گرایانه دیالکتیک از طبیعت دفاع می‌کرد. در انگاره‌های مارکسیسم-لنینیسم دین به معنای ترویج پذیرش مصایب زمینی به امید پاداش اخروی افیون توده‌ها^۴ است. آنان به غلط بر این باورند که در طول تاریخ، خدا باوران معمولاً نخستین کسانی بوده‌اند که جلوی پیشرفت علمی را گرفته‌اند! ریشه‌های بی‌خدایی و پذیرش خدا ناباوری مارکسیست - لنینیست در فلسفه‌های مادی‌گرایانه لودویگ فویرباخ (۱۸۷۲-۱۸۰۴)، گئورگ ویلهلم فریدریش هگل (۱۸۳۱-۱۷۷۰)، کارل مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸) و ولادیمیر لنین (۱۹۲۴-۱۸۷۰) تجلی یافته است. رهبر معظم انقلاب اسلامی مدظله العالی در توصیف عملکرد این گروه الحادی در جلسه دهم تفسیر سوره بقره بر این نکته تأکید دارند که: «...کسانی که سال‌ها ترویج تفکر مارکسیستی و ایدئولوژی مارکسیستی را کرده بودند، طبیعی است که این‌ها در مقابل فکر خدا باوری و خداگرایی مقابله می‌کردند. در دوران مبارزات اولین کسانی که با فکر اسلامی مقابله می‌کردند وابستگان به دستگاه حکومت نبودند، چون آن‌ها دیرخواب و کج فهم بودند و ملتفت مسائل نمی‌شدند؛ بلکه اولین کسانی که مبارزه می‌کردند همان مادیون حرفه‌ای و مبلغین مارکسیسم و دست‌پروده‌شان بودند...»

نظریه علمی دیگر معروف به تئوری تکامل چارلز داروین^۵ انگلیسی نیز در این دسته جای می‌گیرد. در نظریه فرگشت یا تکامل^۶ پارادایم حاکم بر زیست‌شناسی نوین است که پایه و اساس آن را تشکیل می‌دهد؛ به طوری که به گفته دبرنسکی «هیچ چیز در

1. Scientific Atheism
2. Marxist-Leninist Atheism
3. Anti-Clerical
4. Opium of the People
5. Charles Robert Darwin
6. Evolution

زیست‌شناسی جز در پرتو آن معنا نمی‌یابد. در نظریه تکامل، داروین مفهوم «انتخاب طبیعی» را مطرح می‌کند؛ انتخاب طبیعی یعنی فرآیند علی بین «سازگاری» و «تولید مثل» وجود دارد، اگر سازگاری در موجودی وجود داشته باشد آن موجود بقا می‌یابد. از اصول دیگر مطرح در زیست‌شناسی معاصر و خداباوری، «درخت حیات»^۱ است که توسط داروین ترسیم شده که در آن ریشه همه گونه‌ها به یک یا چند گونه می‌رسد از این منظر هیچ اتفاق ماوراءالطبیعی رخ نداده و انسان هم در این میان هیچ استثنایی نیست، یعنی انسان هیچ مقام خاصی در مقابل دیگر موجودات و گونه‌ها ندارد که خود این درخت حیات با خداباوری در تضاد است.

۴-۶- **کیهان‌شناختی دین‌ناباورانه استیون هاوکینگ**: استیون ویلیام هاوکینگ فیزیکدان نظری و کیهان‌شناس انگلیسی معاصر، بر این ادعاست که دانش تجربی توان تبیین جهان را دارد. وی می‌کوشد تا با ارائه به اصطلاح یک تئوری جامع^۲، نیاز به آفرینش‌گر و سامان‌دهنده جهان را نفی نماید. هاوکینگ «تئوری ام» را مادر تئوری‌ها دانسته و بارها اشاره کرده است که به یک تئوری جامع، فراتر از تئوری‌های شناخته شده‌ای چون نسبیت و کوانتا، نزدیک شده‌ایم و معتقد است دیگر نیازی نیست که در رابطه با چگونگی پیدایش این عالم، به خالقیت و سامان‌گری الهی توسل جویم (هاوکینگ و ملودینوف، ۱۳۹۰: ۲۰۴). دیدگاه هاوکینگ از سوی برخی دانشمندان و اندیشوران غربی و دیگر اندیشمندان از گوشه و کنار جهان مورد نقد و چالش قرار گرفته است. بسیاری از نقدهای مطرح شده بر ناقص و ناتمام بودن «تئوری ام» انگشت نهاده است؛ برای مثال دانشمندانی مانند فریتز شیفر، لی ریفلد، دوایت گارنر، کریگ چلندر، مایکل داف و راجر پنروز معتقدند که «ام تئوری» هنوز از پایه شکل نگرفته و تا رسیدن به تئوری جامع برای تبیین علمی جهان، راه درازی در پیش دارد.

۴-۷- **جریان‌ات روشنفکری لیبرال مسلک غرب‌گرا و لائیک**: از منظر برخی صاحب‌نظران، روشنفکری دارای گرایش به لیبرالیسم و شبه مدرن در ایران به دو شاخه قابل تقسیم است:

۱. روشنفکری لائیک تقلیدی و مقلد ایدئولوژی‌های مدرنیستی^۲. روشنفکری دینی.
- شاخه لائیک جریان روشنفکری ایران، غالباً در شکل رویکردهای ذیل ظاهر گردیده است: ۱. روشنفکری لائیک ناسیونال افراطی^۲. روشنفکری لائیک ناسیونال - لیبرالیست^۳. روشنفکری لائیک مارکسیست (گروه ۵۳ نفر و حزب توده و گرایش‌های

۱. Tree of Life (Phylogenetic tree)
۲. M-Theory

مارکسیستی قبل و بعد از انقلاب) ۴. روشنفکری لائیک مدافع لیبرال - دموکراسی ۵. جماعت ژورنالیست‌ها و رمان‌نویسان و شاعران به ظاهر غیرسیاسی‌ای که از راه‌های مختلف، به ترویج اساس و ارکان بینشی و رویکرد اخلاقی و مناسبات رفتاری شبه- مدرنیستی کمک کرده‌اند (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۲۹۹-۲۹۸).

۸-۴- گروه‌های دین‌ناباور «التقاطی»^۱: التقاط در تعریف واژگانی به معنای دستچین کردن خودسرانه، مکانیکی و غیراصولی عقاید و اندیشه‌های ناهمگون و چند مجموعه‌ایدئولوژیکی، بدون پایداری روی اصول معین و مشخص تعریف می‌شود (آقابخشی، افشاری راد: ۱۳۸۳). خداوند متعال می‌فرماید: «آیا شما به پاره‌ای از کتاب [تورات] ایمان می‌آورید و به پاره‌ای کفر می‌ورزید پس جزای هر کس از شما که چنین کند جز خواری در زندگی دنیا چیزی نخواهد بود و روز رستاخیز ایشان را به سخت‌ترین عذابها باز برند...» (سوره بقره، آیه ۸۵)^۲ هم چنین حق تعالی در جای دیگر گزینش و دستچین نمودن خودسرانه آیاتش را از خصلت‌ها و کج‌فهمی‌های کافران برشمرده و می‌فرماید: «کسانی که به خدا و پیامبرانش کفر می‌ورزند و می‌خواهند میان خدا و پیامبران او جدایی اندازند و می‌گویند ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می‌کنیم و می‌خواهند میان این [دو] راهی برای خود اختیار کنند» (سوره نساء، آیه ۱۵۰)^۳؛ بنیان‌گذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) نیز در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خویش با حساسیت نسبت به جریان‌ات التقاطی خطاب به اقلیت‌های مذهبی رسمی تأکید نموده‌اند که «وکلاهی خود را از اشخاص ... بدون گرایش به مکتب‌های الحادی و انحرافی و التقاطی انتخاب نمایند». یکی از مصادیق فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی که در اواسط دهه ۱۳۴۰ شمسی پدید آمد «سازمان مجاهدین خلق» یا همان گروهک تروریستی منافقین با مبانی فکری سیاسی التقاطی بود. اگر چه برخی از رهبران و بنیان‌گذاران آن انسان‌های پاک، صالح و سالمی به لحاظ شخصیتی بودند ولی روندی را طی کردند که به تقابل با اسلام کشانده شدند. تأسیس سازمان و نگرش علمی به مارکسیسم و این که مارکسیسم علم مبارزه است، شکل دادن هسته‌های مطالعاتی‌ای بر اساس آثار مارکسیست‌ها، مائوئیست‌ها یا سوسیالیست‌های چپ آمریکای لاتین، در نهان از جمله این عوامل است (طاهری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴). در واقع، سازمان مجاهدین پس از سال ۵۰ دچار «تحول ارتدادی» گردید... زندانیان

1. Eclecticism

۲. أَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنكُمُ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ...
 ۳. إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَن يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا

مذهبی تا پیش از سال ۵۰، یعنی قبل از آمدن مجاهدین به زندان، جدای از مارکسیست‌ها زندگی می‌کردند. اما با آمدن مجاهدین به زندان و طرح شعار وحدت استراتژیک با مارکسیست‌ها، پیشنهاد جمع مشترکی را با نام کمون مشی که اشاره به جمعی بود که به نبرد مسلحانه اعتقاد داشتند، ارائه دادند. این وضعیت تا سال ۵۴ ادامه داشت تا قصه ارتداد پیش آمد؛ ... تأثیر منفی مارکسیست شدن اعضای سازمان، در ناامید کردن نیروهای مذهبی امری جدی بوده و آثار منفی فراوانی بر حرکت اسلامی و ایجاد بحران در آن از خود برجای گذاشت (نک: جعفریان، ۱۳۸۲: ۲۵۴ و ۲۸۱).

۹-۴- دین‌ناباوری سکولاریستی، معنویت سکولار و سکولاریسم فلسفی: در این سنخ الحاد که شالوده آن در نظام لیبرالیسم قرار دارد، سکولاریسم^۱ اقدام به بازتولید دین و آیینی جدید می‌نماید که مبتنی بر آن ساحت وجودی و حوزه عمل انسان به سه سطح فردی، شهروندی و مدنی تقسیم می‌گردد؛ از این جهت است که نظام لیبرالیسم با ادعای محترم شمردن هر باور و اعتقادی در حوزه فردی سعی می‌نماید تا دخالت تفکرات مختلف خدامحور و بالخصوص دین حق در روابط اجتماعی و در دو سطح شهروندی و مدنی را نامشروع جلوه داده و حضور قراردادهای اجتماعی^۲ در این دو سطح را به عنوان امری که از مصالح و اراده عمومی^۳ جامعه حمایت می‌نماید، به صورت امری مقدس مورد توجه قرار دهد. سکولاریزم فلسفی دنباله تمایلات و تفکری الحادی است که در تفکرات ماتریالیستی و مادی‌گرایانه جریان دارد.

۵- برخی علل و انگیزه‌های الحاد، کفر و انکار خدا و حیات ابدی

برخی از اهم علل و عوامل گرایش و ایجاد انگیزش و متمایل شدن نوع انسان به کُفر و دین‌ناباوری، بر پایه آموزه‌های دینی و وحیانی عبارتند از:

۱. ظلمانی شدن فطرت به واسطه اشتغال به عالم طبیعت (عالم ماده و تغیر)
۲. غلبه شهوت و جهل و غضب و شیطنت (وهم) بر فطرت
۳. انس با ملاذ دنیوی (التذات و خوشی‌ها) و کثرات عالم مُلک
۴. عدم خضوع نفس در برابر حق و حقیقت، حتی ضروریات و فطریات (نک: امام خمینی (ره)، ۱۳۹۷: ۵۴)
۵. احساس استغناء در برابر خداوند به خاطر داشتن اموال و اولاد (سوره آل عمران، آیه ۱۱۶ و ۱۰)

1. Secularism
2. Social Contract
3. General Will

۶. تقلید و تأثیرپذیری از جریانات دین‌ناباوری و مادی‌گرایان در غرب
۷. تمایلات و تفکرات ماتریالیستی و سوسیالیستی متأثر از جریانات مارکسیستی
۸. تشکیکات فلسفی - معرفتی و عدم پاسخگویی دقیق به آنها
۹. حیرانی در برابر عظمت هستی و احساس ناتوانی در ادراک آن
۱۰. ضعف الگوهای روش شناختی برای معرفت هستی، انسان و خویشتن
۱۱. عدم تعقل در آیات و اتکاء به افکار باطل و استدلال‌های ضعیف و عاری از پشتوانه‌های معرفتی مبتنی و نسبی‌اندیشی
۱۲. برنامه‌ریزی و جریان‌سازی کانون‌های سیاسی و استعماری برای انحراف فکری و معرفتی در بین دین‌داران
۱۳. علم‌گرایی و عقلانیت محض و تشکیکات ناشی از آن به دلیل ضعف علم در شناخت کنه حقایق معنوی و معرفتی
۱۴. ...

نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله مورد بحث و شرح اولیه قرار گرفت، نشان داد که تمایلات دین‌ناباورانه و بعضاً الحادگرایانه، دارای گونه‌های متفاوتی است که هر یک با تأکید بر تمایلات فکری خاص نسبت به باورهای دینی بی‌اعتقاد می‌باشند. برخی از این جریانات با رویکردهای فلسفی دچار لادری‌گری گردیده و نتوانسته‌اند دین و باورهای دینی را به درستی مورد تبیین و ادراک و شناخت دقیق قرار دهند، برخی با گرایش به الگوها و تمایلات فرقه‌گرایانه و برجسته‌سازی عناصر و گرایش‌های خاص، این‌گونه تمایلات را جایگزین دین کرده‌اند و برخی را نیز می‌توان در قالب پروژه‌های دست‌سازی در نظر آورد و یا مورد تحلیل قرار داد که از جانب کانون‌های خاص سیاسی و یا تمایلات خاص دینی ایجاد، تربیت و تقویت می‌گردند. علل و دلایل گوناگونی را می‌توان در ایجاد این جریانات یا شبه جریانات و یا تقویت و تداوم آنها دخیل دانست که نقش مداخلات جریان‌های مادی، تشکیکات فلسفی، رویکردها و راهبردهای جریان‌های خاص سیاسی، استفاده ابزاری از این جریانات در چارچوب اهداف دینی و امنیتی، علم‌گرایی افراطی، لذت‌گرایی‌های افسارگسیخته، فقدان دانش دینی و یا عدم حضور هوشمندانه و عقلانی دینی و پاسخگویی مناسب و به‌هنگام به شبهات، تشکیکات و ابهامات هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، آزادی عمل جریان‌های مذکور در عرصه‌های اجتماعی، سرخوردگی‌های اجتماعی، سیاسی و فلسفی، ... از جمله عواملی هستند که این فرایند را تسهیل می‌کنند.

بنابراین علیرغم اینکه اکثریت بسیاری از جمعیت جهان کماکان دین و باورهای دینی را معیار اساسی خود برای معرفت به خویشتن، جهان و انسان قرار داده‌اند، بخشی از جامعه بشری در نتیجه تحولاتی که در جهان جدید شاهد آن هستیم، دین ناباوری به مرور خود را به عنوان یک جریان معرفی می‌نماید. گرچه تا حدودی تحولات عرصه دین را می‌توان ناشی از نقص کارکردی دین‌اندیشان و خداباوران دانست، اما نمی‌توان از حضور و برنامه‌ریزی پر دامنه جریان‌های پنهان برای تقابل‌های دینی و ترویج افکار انحرافی برای پیشبرد مقاصد سیاسی - اقتصادی و حتی دینی و آینده‌شناختی را در آن نادیده انگاشت. اتکاء به عقلانیت صرف و عدم تدبیر و هوشیاری در حقیقت هستی، سطحی‌اندیشی، عدم پویایی برای پاسخگویی به سؤالات معرفت‌شناسانه و انسان‌شناسانه، نقص التزام به باورهای دینی، التذاذ و... از جمله عواملی هستند که زمینه‌ساز و بست‌آفرینی این نوع جریانات است. گرچه جامعه ایران کماکان از زیرساخت‌ها و باورهای دینی عمیقی برخوردار است اما تفکرات دینی ناباورانه که از جریانات ماتریالیستی و سوسیالیستی از دهه‌های قبل آغاز شده بود به مرور در قالب‌هایی همچون فرقه‌اندیشی، تمایلات فرقه‌ای نوپدید، لادری‌گری‌ها و پوچ‌گرایی‌های نوین که نوعی الگوی تقلیدی و وارداتی از جهان غرب مدرن است، خود را در قالب‌های محدود نمایان ساخته است. این روند مستلزم بازاندیشی دقیق در الگوهای تبلیغی، پاسخگویی عقلانی به سؤالات و ابهامات فلسفی، اعتقادی و عقلانی و همچنین پویایی در اجتماعات جوانان است که باید از جانب دین‌باوران و منادیان دینی به آن اهتمام شود.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

حضرت امام خمینی(ره) (۱۳۹۷)، *سیدروح الله؛ شرح حدیث جنود عقل و جهل*، قم: انتشارات کتابستان معرفت.

حضرت امام خمینی(ره)، *سیدروح الله؛ مجلّات صحیفه نور*.

آیت‌ا... خامنه‌ای مدظله‌العالی، سیدعلی؛ (۱۳۹۷)، *تفسیر سوره براءت* مشتمل بر دروس تفسیر معظم له در سال ۱۳۵۱، منتشر شده در پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR .

اکبری، رضا(۱۳۹۸)، *نشست علمی بررسی و نقد ادله جدید الحاد*، پنج شنبه ۱۴ آذر ۱۳۹۸ در سالن اجتماعات مجمع عالی حکمت اسلامی؛ قابل مشاهده در: www.hekmateislami.com
آقابخشی، علی؛ افشاری راد، مینو (۱۳۸۳)، *فرهنگ علوم سیاسی*، ویرایش ششم، تهران: نشر چاپار، چاپ اول.

آیات سبحانی، جعفر و مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳)، پاسخ به سؤال: *وقتی ما می‌گوییم ایمان داریم (در دین اسلام)، به چه چیزی ایمان داریم؟ یعنی متعلقات ایمان چیست؟*، منتشره در سایت پرسمان دانشگاهیان به آدرس: www.porseman.com.

جعفریان، رسول (۱۳۸۲)، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ چهارم.

شهبازی، علی؛ رسولی پور، رسول؛ اله بداشتی، علی (۱۳۹۵)، *الحاد جدید*

چیستی، بنیان‌ها و زمینه‌ها، *پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت)*، پاییز و زمستان، شماره ۲۸.

طاهری، مرتضی؛ مدنی، میثم؛ نوری، حمیدرضا (۱۳۹۴)، *فتنه ۶۰: گذری بر پرونده منافقین ۱۳۶۰-۱۳۶۵*، تهران: ستوس، چاپ اول.

فتح طاهری، علی؛ شرفی، اسماعیل (۱۳۹۳)، *بررسی تغییر عقیده آنتونی فلواز منظر موافقان و مخالفان*؛ دانشگاه تهران، فصلنامه فلسفه دین، دوره ۱۱، شماره ۱ (پیاپی ۱۸).

مطهری، مرتضی (۱۳۹۲)؛ *انسان‌شناسی قرآن* (مشمتمل بر دوازده جلسه سخنرانی استاد شهید آیت الله مطهری در یک جمع علاقه‌مند به معارف اسلامی در زمستان سال ۱۳۵۰ و بهار ۱۳۵۱ است)، چاپ اول.

هاوکینگ، استفان و لئونارد ملودینوف (۱۳۹۰)، *طرح بزرگ*، مترجمان: حسین صداقت و امیر امیرآبادی، تهران: مؤسسه انتشارات فلسفه. منتشره در سایت خبری تحلیلی ادیان نیوز به آدرس: www.adyannews.com در مورخه ۱۳۹۸/۱۲/۱۳ ذیل مطلب «استیون هاوکینگ و خودبسندگی جهان؛ بررسی و نقد»

Zenk, Thomas (2013), "New Atheism", in Stephen Bullivant & Mickael Rose (eds.), *The Oxford Handbook of Atheism*. Oxford University Press.